

بررسی مباحث ربا و قرض از منظر اسلام

رضا سورکیان

(دانشجوی رشته الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان - تهران)

دکتر فاطمه گل عابدی

(مدرس دانشگاه فرهنگیان - تهران)

چکیده

در مقاله پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی-تحقیقی به بررسی مباحث ربا و قرض از منظر اسلام در سه مذهب امامیه، شافعی و حنفی پرداخته شده است و در نهایت با بررسی کتاب‌های آیات الاحکام و استخراج آیات مربوط به مسائل ربا و قرض و همچنین مطالعه و خلاصه برداری از تفسیر نمونه به عنوان یک تفسیر متعادل در جهت نگاشتن این مقاله گام برداشته شده است. در این مقاله علاوه بر تعاریفی که هریک از مذاهب در مورد ربا و قرض بیان داشته‌اند به اقسام آن‌ها نیز، اشاره شده است. در برخی موارد علت حرام بودن ربا و یا آثار رباخواری نیز بیان شده است و یا در مواردی برای آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان با این مباحث مثال‌هایی ذکر شده است؛ نتیجه این مقاله این است که خوانندگان را با تعارف و انواع ربا و قرض در مذاهب مذکور آشنا می‌سازد و همچنین این افراد با خواندن این مقاله این مطلب را به خوبی درخواهند یافت که مسائل اختلافی در مذاهب اسلامی بسیار اندک است و حدود هشتاد درصد احکام ربا و قرض مطابق یکدیگر می‌باشد.

واژگان کلیدی: ربا، قرض، مذاهب اسلامی، تفسیر نمونه

۱- مقدمه

ربا در لغت به معنای زیادی، رشد و نمو است. ربا اصطلاحی در شریعت اسلامی به معنی، گرفتن یک مال در عوض پرداخت مالی از همان جنس است به طوری که میزان یکی زیادتر از دیگری باشد. ۶ آیه از آیات کلام الهی به موضوع ربا اختصاص یافته است؛ این آیات عبارت‌اند از: (سوره روم آیه ۳۹ - سوره بقره/ ۲۷۵ - بقره/ ۲۷۶ - بقره/ ۲۷۷ - بقره/ ۲۷۸ - بقره/ ۲۷۹) که با توجه به این آیات رباخواری حرام اعلام شده است. و می‌تواند آثار بدی به همراه داشته باشد.

در مقابل ربا، قرض وجود دارد که در اصل به معنای قطع کردن و بریدن مال است و از منظر اسلام قرض به معنای به مالکیت درآوردن مال به دیگری است. به شرط این که وام‌گیرنده متعهد به بازگرداندن مال باشد اعم از اینکه عین یا مثل یا قیمت آن باشد. در قرآن کریم به مسئله ی قرض در کنار صدقه، انفاق، زکات و نماز پرداخته شده است؛ یعنی همان‌طور که نماز برای تعالی روح و عروج معنوی انسان راه مناسبی است؛ قرض نیز می‌تواند راه مناسبی برای این امر باشد البته باید اصول آن رعایت شود. (منظور، ۸۹: ۵) از جمله آیاتی که در قرآن به امر قرض پرداخته شده عبارت‌اند از: (سوره بقره/ آیه ۲۴۵ - سوره مائده/ آیه ۱۲ - سوره حدید/ ۱۱ و ۱۸ - سوره مزمل / آیه ۲۰ - سوره تغابن / آیه ۱۷ و...) که در ادامه به بحث و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱- امبانی تحقیق

۱- در باب قرض و ربا به دلیل تنوع و گستردگی مسائل و موضوعات، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است من جمله کتاب ربا و قرض در اسلام نوشته‌ی محمدحسین ابراهیمی که با دسته‌بندی مطالب و همچنین جامع‌نگری در مباحث و نیز به ریشه‌یابی مسائل قرض و ربا پرداخته شده بود.

۲- در کتب فقهی مذاهب چهارگانه اهل سنت و کتب فقهی امامیه نیز به جزء جزء این مسائل پرداخته شده است من جمله: کتاب فقه آسان در مذهب شافعی تألیف احمد عیسی عاشور و ترجمه دکتر محمود ابراهیمی

کتاب فقه احناف در پرتوی آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) ترجمه و شرح نورالایضاح تألیف علامه حسن بن علی شرنبلالی ترجمه، تحقیق و شرح فیض محمد بلوچ

۳- کتاب‌های گوناگون تفسیر قرآن هم در اهل سنت و هم در تشیع وجود دارد که این مباحث را بررسی می‌کند.

۲- بحث و بررسی

با توجه به آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که خداوند ربا را در اسلام حرام اعلام کرده است. و همچنین برای کسانی که به برادران مسلمان خود قرض بدهند اجر بزرگی وعده داده شده است؛ که این اصول مورد اجماع تمامی مسلمانان می‌باشد. اما نکته مورد توجه این است که فقها و علمای مذاهب اسلامی برداشت‌های متفاوتی از آیات قرآن داشته‌اند؛ و این خود باعث ایجاد اختلافاتی هرچند اندک در زمینه ربا و قرض شد؛ که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود؛ البته باید به این نکته توجه داشت که این مقاله با توجه به شرایط مذهبی ایران شامل سه مذهب امامیه، حنفی و شافعی که اکثریت مسلمان آن را تشکیل می‌دهند؛ تنظیم شده است؛ و برای نمونه در آخر این مقاله به تفسیر آیات مربوط به ربا و قرض از نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه پرداخته شده است.

۲-۱ بررسی انواع ربا و قرض از نظر مذهب امامیه

ربا دو قسم است: ربای معاملی و ربای قرضی

۲-۱-۱ ربای معاملی

این گونه ربا یا در معامله نقدین، یعنی درهم در برابر درهم یا دینار در برابر دینار تحقق می‌یابد یا در اجناس غیر نقدی و در معاملات پایاپای هرگونه زیادی در معامله‌ی همجنس و یا معامله‌ای که مشتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد؛ با فرض تحقق

شرایط خاص، ربای معاملی نامیده می‌شود. در ربای معاملی شخص (حقیقی یا حقوقی) به شخص دیگر کالایی می‌دهد و در مقابل مقدار بیشتری از همان کالا از وی می‌گیرد؛ مقدار اضافه شده ربای معاملی نامیده می‌شود.

۱_۱_۱_۲ در نقدین: هرگونه زیادی در معامله نقدین ربا و حرام است؛ چنان‌که معامله نقدین بدون زیادی یکی بر دیگری به صورت نسبه نیز ربا محسوب می‌گردد.

۲_۱_۱_۲ در اجناس غیرنقدین: ربای معاملی در اجناس غیر نقدین با دو شرط تحقق می‌یابد:

۱: هر دو عوض از یک جنس باشند. معیار همجنس بودن، صدق یک اسم بر هر دو است، مانند گندم مرغوب و نامرغوب که هر دو را گندم می‌گویند. بنابر قول مشهور، گندم و جو در حکم ربا یک جنس به شمار می‌روند؛ چنان‌که به نظر مشهور، در حکم یاد شده هر فرآورده‌ای با اصل خود یک جنس محسوب می‌شوند، مانند پنیر و شیر؛ همچنین است دو فرآورده از یک اصل، مانند پنیر و ماست فراهم آمده از شیر لیکن اگر اصل مختلف باشد، دو جنس شمرده می‌شوند، هر چند بر آن‌ها به اشتراک لفظی یک اسم صادق باشد، مانند گوشت گاو و گوشت گوسفند یا کبوتر و گنجشک که در مثال اول عنوان گوشت و در دوم عنوان پرند بر هر دو صادق است. (نجفی، قرن ۱۳.ه.ق: ۳۴۷-۳۳۵)

۲: هر دو عوض، پیمانه‌ای یا وزنی معامله شوند. بنابر مشهور، ربا در معامله اجناس غیر پیمانه‌ای و وزنی مانند اجناسی که با شمارش یا متر و یا مشاهده معامله می‌گردند، جریان ندارد.

در پیمانه یا وزنی بودن جنس

معیار در پیمانه‌ای یا وزنی بودن جنس چیست؟ آیا عادت شرع است؛ به این معنا که آنچه در عصر پیامبر (ص) پیمانه‌ای یا وزنی معامله می‌شد، محکوم به پیمانه‌ای یا وزنی است، هر چند در دوران بعد در آن تغییر حاصل شده باشد؛ و آنچه در آن عصر پیمانه‌ای یا وزنی نبوده، محکوم به عدم آن است؛ هر چند در دوران بعد پیمانه‌ای یا وزنی شده باشد؟ یا این‌که ملاک عرف جامعه است؛ به این معنا که آنچه نزد مردم پیمانه‌ای یا وزنی معامله می‌شود، محکوم به آن است. (یزدی، ۱۴۱۴.ه.ق، ج ۱: ۳۲ و سبزواری، ۱۴۱۱.ه.ق، ج ۱۷: ۳۱۶)

بر قول نخست ادعای اجماع شده است. بنابر این قول، چنانچه پیمانه‌ای یا وزنی بودن جنسی در آن عصر معلوم نباشد، به عرف جامعه رجوع می‌شود و در صورت یکسان نبودن عرف جامعه، بنابر نظر مشهور متأخران، هر شهری حکم خود را دارد. از برخی، قول به ترجیح جانب حرمت و جریان حکم ربا در همه شهرها و از بعضی دیگر ترجیح جانب اغلب و در صورت تساوی، ترجیح جانب حرمت نقل شده است. (نجفی، قرن ۱۳.ه.ق، ج ۲۳: ۳۶۲-۳۶۶)

اجناس در پیمانه‌ای یا وزنی بودن از اصل خود تبعیت نمی‌کنند. بنابراین، در جنس غیر وزنی و پیمانه‌ای مانند پارچه که متری معامله می‌شود، ربا جریان ندارد؛ هر چند اصل آن، یعنی پنبه یا نخ، وزنی معامله شود. (خمینی، ۱۳۷۲.ه.ش، ج ۱: ۳۶۳)

احکام ربای معاملی

در اینکه ربای معاملی به بیع اختصاص دارد یا شامل هر نوع معاوضه معاملی، مانند صلح می‌شود، اختلاف است. مشهور قول دوم است. معامله نقدین به نسیه، حتی بدون فزونی یکی بر دیگری جایز نیست، لیکن اگر یکی از دو عوض، نقدین و دیگری غیر آن باشد، معامله آن دو به نسیه جایز است، چه با فزونی یکی بر دیگری و یا بدون آن. معامله دو همجنس پیمان‌های یا وزنی به نسیه بدون زیاده یکی بر دیگری جایز نیست؛ لیکن بنابر قول مشهور، معامله دو ناهم‌جنس به نسیه با زیاده یکی بر دیگری جایز است. (نجفی، قرن ۱۳ه.ق، ج ۲۳: ۳۴۴-۳۳۶)

در اینکه در معامله ربوی، تنها زیاده دریافتی، فاسد و باطل است یا علاوه بر آن، اصل معامله نیز مطلقاً باطل می‌گردد، خواه زیاده به عنوان جزء معامله باشد یا شرط آن، و یا اینکه در صورت جزء معامله بودن، موجب فساد آن خواهد شد، اختلاف است. قول دوم به ظاهر کلمات فقها نسبت داده شده است. (یزدی، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۱: ۵-۶)

قول معروف برای عدم بطلان معامله، تنها بازگرداندن زیاده دریافتی به مالک آن واجب است؛ لیکن بنابر قول به بطلان معامله، در اینکه باید هم زیاده و هم اصل را به مالکش برگرداند یا تنها زیاده را، مسئله محل بحث است. بر قول دوم ادعای اجماع شده است. البته در صورت جهل به حرمت ربا، آیا بازگرداندن زیاده واجب است یا نه؟ معروف بین متأخران و جوب آن است؛ لیکن برخی در فرض توبه شخص پس از علم به حرمت ربا، بازگرداندن زیاده را واجب ندانسته‌اند. (نجفی، قرن ۱۳ه.ق، ج ۲۳: ۳۹۸-۳۹۷)

۲-۱-۲ ربای قرضی

ربای قرضی چه در زمان‌های گذشته و چه در عصر حاضر، رایج‌ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته است؛ به این صورت که فرد برای تامین نیاز مالی جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری، تقاضای قرض می‌کند و در ضمن عقد قرض متعهد می‌شود آنچه را می‌گیرد، همراه با زیاده برگرداند. در حقیقت ربای قرضی در نوع خاصی از عقد قرض تحقق می‌یابد که در آن شرط زیاده شده است؛ در ربای قرضی، روند کار به این شکل است که شخص به شخص دیگر پولی را به صورت قرض می‌دهد که پس از زمان معین آن را به همراه مبلغی اضافی برگرداند. آن مبلغ اضافی که قرض‌دهنده (مقرض) هنگام دادن وام شرط می‌کند، از قرض‌گیرنده (مقترض) علاوه بر اصل وام دریافت کند، ربای قرضی می‌گویند. در تحقق ربای قرضی فرق نمی‌کند مال قرض داده شده پیمان‌های باشد یا وزنی یا غیر آن. در اینکه با شرط زیاده، قرض ربوی و باطل می‌شود، در این جا قول اول مشهور است. (یزدی، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۱: ۹-۸)

آنچه درباره بازگرداندن زیاده یا اصل و زیاده و نیز تفصیل بین علم به حرمت و جهل به آن در معامله ربوی مطرح شد، در ربای قرضی نیز جاری است؛ بر قرض‌گیرنده دادن زیاده از آنچه قرض گرفته، در صورتی که شرط نشده باشد، مستحب است؛ این قسم از ربا شرایط ربای معاوضه را ندارد؛ به همین جهت در ربای قرضی فرقی بین مکیل و موزون و معدود نیست. تنها رکن آن، شرط مقدار اضافی است که شرط شود، به هنگام بازگرداندن، چیزی اضافه بدهد خواه چیز اضافه از همان جنس باشد، یا جنس دیگر یا حتی خدمتی از خدمات باشد. (یزدی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۲ و خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۵۴)

مستثنیات ربا

از حرمت ربا؛ خواه معاملی یا قرضی، اشخاص زیر استثنا شده‌اند و حکم ربا بین آنان جاری نمی‌شود: پدر و فرزند؛ مولا و برده؛ زوج و زوجه؛ اعم از زوجه دائم و موقت بنابر قول اکثر، بلکه مشهور؛ همچنین گرفتن ربا از کافر حربی جایز است؛ لیکن دادن ربا به او برای مسلمان حرام است. بنابر قول مشهور، ربا گرفتن از کافر ذمی حرام است.

برخی گفته‌اند: ممکن است مراد از نفی ربا بین مسلمان و کافر حربی این باشد که مال کافر حربی غنیمت مسلمانان به شمار می‌رود؛ از این رو، گرفتن آن از هر راه ممکن برای مسلمان جایز است، نه نفی آن از سنخ نفی ربا بین پدر و فرزند. (نجفی، قرن ۱۳ه.ق، ج ۲۳: ۳۸۳-۳۸۷)

۲-۱-۳ انواع قرض

اقتصاددانان قرض را نیز به دو نوع عمده قرض‌های مصرفی (استهلاکی) و قرض‌های تولیدی (تجاری یا انتاجی) تقسیم می‌کنند.

۲-۱-۳-۱ قرض مصرفی

قرض مصرفی، قرضی است که قرض‌کننده به هدف تأمین نیازهای مصرفی قرض می‌کند؛ مانند خانواری که برای تهیه غذا، لباس، هزینه درمان، تهیه مسکن و مانند آن‌ها استقراض می‌کند.

۲-۱-۳-۲ قرض تولیدی

قرض تولیدی که به آن قرض سرمایه‌گذاری نیز می‌گویند، قرضی است که در آن، قرض‌کننده با هدف سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه مورد نیاز جهت تأسیس، توسعه یا استمرار فعالیت اقتصادی استقراض می‌کند. تا حدود صد سال پیش، فقیهان اسلام، بین انواع قرض، تفصیلی قائل نبودند و با استناد به عموم و اطلاق آیات و روایات، گرفتن زیاده (بهره) در هر نوع قرضی را ربا و حرام می‌دانستند؛ اما از حدود صد سال پیش، برخی روشنفکران و عالمان اسلامی با استناد به شواهد و ادله‌ای بین این دو نوع قرض تفکیک قائل شدند.

آنان گرفتن بهره در قرض‌های مصرفی را ربا و حرام می‌دانند؛ اما گرفتن بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری را ربا ندانسته و حرام نمی‌دانند. این نظریه ابتدا از سوی برخی اندیشه‌وران اهل سنت چون رشیدرضا، شیخ شلتوت، معروف الدوالیبی، مصطفی الزرقا، مطرح شد، سپس برخی از فقهای اهل تشیع نیز مطرح کردند، که البته بین فقهای شیعه عمومیت پیدا نکرد. (موسویان، ۱۳۸۴، فصلنامه اقتصاد اسلامی شماره ۱۸: ۳۶-۴۰)

۲-۲ بررسی مسئله ربا و قرض از نظر مذهب شافعی

۲-۲-۱ احکام معامله و ربا

در حدیثی پیامبر(ص) فرمودند: لَعَنَ اللَّيْثُ أَكْلَ الرِّبَا وَمُوكَلَّهُ وَشَاهِدَهُ وَكَاتِبَهُ «خداوند لعنت کرده است بر کسی که رباخوار است و بر کسی که ربا را می‌دهد و بر کسی که شاهد این معامله است و بر کسی که آن را می‌نویسد» (به روایت احمد و ترمذی و ابوداود و ابن ماجه).

در حدیث دیگری پیامبر(ص) فرموده است: معامله ربوی تنها در طلا و نقره و خوراکی‌ها حرام است.

«لَا تَبِيعُوا الذَّهَبَ بِالذَّهَبِ وَلَا الْوَرَقَ بِالْوَرَقِ وَلَا الْبُرَّ بِالْبُرِّ وَلَا الشَّعِيرَ بِالشَّعِيرِ وَلَا التَّمْرَ بِالتَّمْرِ وَلَا الْمِلْحَ بِالْمِلْحِ إِلَّا سَوَاءً بِسَوَاءٍ عَيْنًا بَعِينٍ يَدًا بِيَدٍ وَلَكِنْ بِيعُوا الذَّهَبَ بِالْوَرَقِ وَالْوَرَقَ بِالذَّهَبِ وَالْبُرَّ بِالشَّعِيرِ وَالشَّعِيرَ بِالْبُرِّ وَالْمِلْحَ بِالتَّمْرِ كَيْفَ شِئْتُمْ فَمَنْ زَادَ أَوْ اسْتَزَادَ فَقَدْ أُرْبَى»

«طلا را به طلا و نقره را به نقره و گندم را به گندم و جو را به جو و خرما را به خرما و نمک را به نمک مفرو شید مگر این که برابر و اصل و دست به دست و نقدی باشد، و لیکن طلا را به نقره و نقره را به طلا و گندم را به جو و جو را به گندم و خرما را به نمک و نمک را به خرما بفروشید هرگونه که می‌خواهید، هر کس زیاد کند یا زیادی طلبد به حقیقت مرتکب معامله ربوی شده است» (عاشور، ۲: ۱۵۹-۱۵۸)

به روایت امام شافعی. به موجب این حدیث فروختن طلا به طلا و نقره به نقره و فروختن خوراکی‌های متماثل هم‌دیگر حرام است. مگر به سه شرط: تماثل هم بودن، و معامله به صورت نقدی، و دریافتن در مجلس عقد معامله. این وقتی است که معامله هم جنس با هم باشد و جنس آن‌ها یکی باشد، ولی اگر جنس یکی نباشد مانند معامله طلا به نقره و گندم به جو ... تفاضل و زیادی یکی بر دیگری جایز است. چون پیامبر(ص) گفته است: «هرگاه اجناس مورد معامله با هم اختلاف داشته باشند این خرید و فروش را انجام بدهید به هر گونه که می‌خواهید مشروط بر این که دست به دست و حاضری باشد؛ به روایت مسلم پس در این صورت تنها دو شرط برای درستی آن لازم است: یکی اینکه معامله به صورت حال و حاضری باشد، و دیگری قبض و دریافت در مجلس عقد صورت گیرد. و اما فزونی یکی بر دیگری جایز است. و هرگاه جنسیت اجناس مورد معامله و علت آن‌ها با هم اختلاف داشته باشد مانند فروش نقره (که نقد است) به گندم (که طعام است) و مس به پارچه در هیچ یک از این معاملات این چیزها (تماثل و حلول و تقابض) شرط نیست پس در آن‌ها معامله درست است خواه حال یا قرضی و با مهلت باشد و خواه برابر یا نابرابر باشند. (عاشور، ۲: ۱۵۹)

۲-۲-۲ اقسام ربا

معامله ربوی به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

اول: ربا الفضل، (ربا با افزایش) و آن عبارت است از معامله دو چیز با هم که هر دو جنسشان یکی است؛ ولی یکی از آن دو بیش از دیگری باشد، (مثل گندم به گندم که یکی ۲ کیلو باشد و دیگری کمتر).

دوم: ربا الید، و آن عبارت از آن است که دو چیز ربوی را با هم معامله کنند اگر چه جنسشان هم یکی نباشد با وجود تاخیر قبض و دریافت یکی از آن دو عوض، یا تاخیر هر دو.

سوم: ربالنسیئه (ربا با تاخیر) و آن است که دو چیز ربوی معامله شوند با مدت و مهلت ولو این که این مهلت یک لحظه باشد.

چهارم: ربالقرض (معامله ربوی به صورت قرض) و آن عبارت از آن است که شخص به گونه‌ای به دیگری وام و قرض بدهد که منفعت و سودی برای قرض دهنده داشته باشد، و از این گونه معامله ربوی محسوب می‌گردد معامله ای که شخصی کالائی را به دیگری بفروشد مثلاً به مدت یک سال که در این مدت مشتری از آن کالا نفع می‌برد، سپس اگر فروشنده بهای کالا را به مشتری باز پس داد کالا را به خویشتن بر می‌گرداند و اگر نتوانست در آن مدت بهای کالا را که دریافت کرده است برگرداند کالا ملک همیشگی مشتری می‌شود. (عاشور، ۹، ج ۲: ۱۶۰)

۲_۲_۳ علت حرام بودن معاملات ربوی

اول: معامله ربوی مقتضی آن است که کسی مال دیگری را بگیرد بدون دادن عوضی در برابر آن، چون کسی که یک درهم را به دو درهم نقد یا نسیه می‌فروشد درهمی را بدون دادن عوض گرفته است و مال هرکس محترم است بمانند خونس که جز با حق گرفته نمی‌شود. و پیامبر (ص) فرموده‌اند: «حُرْمَةُ مَالِ الْإِنْسَانِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» «احترام مال انسان به منزله احترام خون اوست که نباید به ناحق گرفته شود»

پس گرفتن مال انسان بدون عوض حرام است.

دوم: معامله ربوی گروهی از مردم را از اشتغال به کسب باز می‌دارد؛ و این کار سرانجام به انقطاع منافع مردم می‌انجامد، و بدیهی است که مصلحت و منافع مردم جز با کسب و کار از قبیل تجارت و صناعت و زراعت سرو سامان نمی‌گیرد و معاملات ربوی سرانجام همه این‌ها را به تعطیل می‌کشاند.

سوم: معاملات ربوی روابط خوب و احسان به همدیگر را در میان مردم از میان می‌برد و در نتیجه آن، کسی حاضر نمی‌شود که چیزی را به کسی دیگر قرض دهد مگر از طریق معامله ربوی و کسی حاضر نمی‌شود از کسی دیگر دستگیری کند، مگر در برابر ربا و افزون طلبی، و این کار موجب می‌شود که مردم به همدیگر پشت کنند و دستگیری و کمک به هم‌نوع و احسان و خوبی با نیازمندان و بینوایان از میان می‌رود که نیازمندان به ناچار به وام گرفتن و معاملات ربوی روی می‌آورند.

چهارم: اغلب چنین است که وام دهنده، غنی و بی‌نیاز و وام گیرنده، نیازمند و فقیر است و روا بودن معاملات ربوی مسلط کردن و قدرت دادن به اغنیاء است و بر فقیران و نیازمندان تا آنان را خوار کنند و ضعیف بشمارند و به استضعاف بکشند و اسیر نیازهای خود سازند، و این کار سزاوار رحمت خدا نیست پس ربا را حرام کرده است.

پنجم: علاوه بر همه دلایلی که گذشت حرام بودن معاملات ربوی به نص صریح قرآن و سنت ثابت شده است، پس واجب است که به حرام بودن آن قطع و یقین داشته باشیم. (عاشور، ۹، ج ۲: ۱۶۱)

۲_۲_۴ آثار ربا

از جمله آثار و نشانه‌های زشت و بد رباخواری آن است که خداوند تعالی آن را نابود می‌کند و آن را باقی نمی‌گذارد و برکت خویش را از این معاملات باز می‌دارد: (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَالرِّبَاُ الْبَقْرَةُ: ۲۷۶) «خداوند ربا را محو و نابود می‌سازد». و از دیگر آثار ربا آن است که این نوع معاملات انسان را از رحمت خدا دور می‌سازد، پیامبر (ص) فرموده است:

لَعَنَ اللَّهُ أَكْلَ الرِّبَا وَمُوكَلَّهُ وَشَاهِدَهُ وَكَاتِبَهُ «خداوند رباخوار و رباگیرنده و گواه ربا و کاتب و نویسنده ربا را لعنت و نفرین کرده است». پیامبر (ص) بر علیه آنان دعا و نفرین کرده است. و از جمله آثار ربا آن است که خداوند در سوره بقره آیه ۲۷۵ فرموده است: رباخوار در روز رستاخیز دیوانه بر می‌خیزد همچون دیوانه ای که شیطان به وی رسیده و جن زده باشد. (عاشور، ۴، ج ۲: ۱۶۲)

۲-۳ بررسی مباحث ربا و قرض از منظر فقه حنفی

۲-۳-۱ ربا (بهره، سود)

ربا در لغت به معنای مطلق «زیادت و فزونی» است؛ ولی در اصطلاح شریعت مقدّس اسلام، ربا به دو نوع تقسیم می‌گردد؛ و در شریعت مقدّس اسلام هر دو نوع، حرام و ناروا می‌باشد؛ و در قرآن کریم و احادیث نبوی کثیر سخنی در موردگیرنده و دهنده‌ی ربا وارد شده است.

۲-۳-۲ انواع ربا

۲-۳-۱-۱ اربا القرض

ربا القرض عبارت از آن است که فردی چند درهم یا چند دینار به کسی قرض بدهد؛ آن‌گاه از شخص بدهکار بخواهد تا بیشتر از آن مقداری که برایش به قرض داده، بدو بپردازد.

۲-۳-۲-۱ اربا البیع

ربا البیع عبارت از آن است که کالاهای وزنی یا پیمانه‌ای را با مقدار بیشتری از همان جنس، معامله نماید. (به عنوان مثال: معامله‌ی صد کیلو گندم از یک نوع در مقابل یکصد و ده کیلو از همان نوع، معامله‌ای ربوی و حرام است. یا معامله‌ی ۱۰۰ گرم طلای ۱۸ عیار با ۱۱۰ گرم از همان طلای ۱۸ عیار، ربا و نامشروع می‌باشد)؛ و یا این که کالاهای وزنی یا پیمانه‌ای را با مقداری از همان جنس یا از جنسی دیگر، به صورت نسیه بفروشد. (نیشابوری، ۱۳۳۴_۱۳۲۹ ه.ق، ج ۴: حدیث شماره ۲۹۷۱)

۲-۳-۱-۳ ربا النسیه

ربا النسیه آن است که کسی از دیگری طلبی دارد، و زمانی که وقت بازپرداخت آن فرا می‌رسد، خطاب به بدهکار بگوید: یا بدهکاری‌ات را پرداخت کن یا مبلغی را در مقابل تأخیر بازپرداخت به آن اضافه می‌نمایم. و این موضوع ممکن است بارها تکرار شود و مثلاً بدهکاری صد هزار تومانی به چند صد هزار تومان برسد. این گونه ربا، ربایی بوده که در دوران جاهلیت پیش از اسلام بیشتر مرسوم بوده است. (قزوینی، ۲۷۵_۲۰۷ ه.ق، ج ۲: حدیث ۲۲۷۶_۲۲۵۷: ۷۶۴_۷۵۸)

مثال: مورد اول آن این است که هر نوع از آن مواد با همان نوع معامله بشود؛ مانند: طلا در مقابل طلا، گندم با گندم و خرما با خرما به صورت غیر مساوی متفاضل

مثال: مورد دوم آن این است که هر نوع از آن‌ها با جنس و نوعی دیگر معامله شود. مانند: طلا در مقابل نقره، گندم با خرما، به صورتی که یکی از آنها موجود و حاضر و دیگری غیر موجود باشد.

مثال: مورد سوم آن این است که یکی از آن مواد و کالاها به طور مساوی با نوع خود معامله شود، اما یکی از آن‌ها نسیه و غیر موجود و دیگری حاضر و موجود باشد.

۲-۳-۳ حکمت حرام بودن ربا

۱- محافظت از اموال و دارایی مردم در مقابل بیهوده از دست دادن آن.

۲- توجه مردم مسلمان برای سرمایه‌گذاری در کارهای کشاورزی و صنعتی و تولیدی و تجارت مشروع که با حيله و خدعه آلوده نشود.

۳- پیشگیری از عوامل و کارهایی که زمینه‌ساز کینه و دشمنی در میان مردم هستند.

۴- پرهیز دادن مسلمانان از کارهایی که زمینه‌ساز گرفتار شدن در گرداب مصایب و مشکلات دنیا و عذاب آخرت باشند؛ زیرا رباخواری نوعی ستمکاری است، و عاقبت ستمکاران چیزی به جز ذلت و خواری و عذاب نیست. (پایگاه اطلاع رسانی و اسلام‌ماه، بخش فقه و احکام، ۱۳ جولای ۲۰۱۳)

۲-۳-۴ احادیثی درباره‌ی ربا از پیامبر اکرم (ص)

ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر (ص) فرمودند: «الذهب بالذهب، والفضة بالفضة والبر بالبر والشعير بالشعير والتمر بالتمر والملح بالملح مثلاً بمثل، يداً بيد، فمن زاد او استزاد فقد اربى، الاخذ والمعطى فيه سواء». «طلا به طلا، نقره به نقره، گندم به گندم، جو به جو، خرما به خرما، نمک به نمک، باید مثل هم و به طور مساوی و به صورت دست به دست مبادله شوند، پس آن که بر آن بیفزاید یا طلب افزونی نماید، به تحقیق ربا نموده است که در ربا، گیرنده و دهنده مساوی و یکسان است»

عباده بن صامت می‌گوید: پیامبر ج فرمودند: «الذهب بالذهب والفضة بالفضة والبر بالبر والشعير بالشعير والتمر بالتمر والملح بالملح مثلاً بمثل سواء بسواء يداً بيداً، فاذا اختلفت هذه الاصناف فبيعوا كيف شئتم اذا كان يداً بيداً». «طلا به طلا، نقره به نقره، گندم به گندم، جو به جو، خرما به خرما، نمک به نمک باید مثل هم و به طور مساوی و به صورت دست به دست مبادله شوند؛ هرگاه این انواع، مختلف بودند، آن‌ها را هر طور که خواستید بفروشید به شرطی که دست به دست باشد (و نسیه نباشد)» (قزوینی، ۲۷۵-۲۰۷، ج ۲، حدیث ۲۲۵۵: ۷۵۸)

۲-۴ بررسی نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی درباره‌ی ربا و قرض در تفسیر نمونه

تفسیر نمونه یکی از رایج‌ترین و مقبول‌ترین تفاسیر شناخته شده در مجامع مذهبی و علمی می‌باشد که با ابتکار و اشراف استاد محقق، حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی و با همیاری جمعی از فضلا و دانشمندان حوزه علمیه قم، به زبان فارسی تألیف و در ۲۷ جلد ارائه شده است. این تفسیر، تمامی آیات قرآن را دربردارد که به شیوه ترتیبی از ابتدا تا انتهای قرآن را مورد بررسی قرار داده است.

روش این تفسیر را می‌توان روش اجتهادی-تحلیلی و عقلی بازشمرد که با مطرح کردن برخی مسائل علمی روز، قدمی در تبعین بیشتر بعضی آیات برداشته است در کنار آن جنبه تربیتی خود را همچنان مدنظر داشته و به تبعین دیدگاه‌های قرآن در این زمینه می‌پردازد در مسائل اختلافی شیعه و اهل سنت نیز، سعی داشته روش تقریب را برگزیند و از مطرح کردن تعصبات بی‌جا پرهیزد.

ضمن دربرداشتن این خصوصیات از تفسیر آیه به آیه برای توضیح بیشتر مضامین قرآنی بهره برده و نیز، در مقاطع مختلف با مطرح و نقل کردن روایات اهل بیت (ع)، در تبعین هرچه بیشتر آیات، تلاش نموده است. این تفسیر در طی مدت ۱۵ سال از ۱۳۹۶ تا ۱۴۱۰ هجری قمری، تحقیق و تألیف گشته است.

مقاله پیش رو ضمن بررسی و خلاصه نویسی تفسیر آیات ربا و قرض که از تفسیر نمونه استخراج شده است این نکته را مدنظر قرار داده است تا برای آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان با این مفاهیم از ترجمه روان فولادوند نیز، بهره‌مند شده است.

آیات ربا

«سوره روم آیه ۳۹»

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾

ترجمه: و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بر دارد نزد خدا فزونی نمی گیرد و [لی] آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزونی‌یافتگانند [و مضاعف می شود] (۳۹)

تفسیر: تفسیری که از همه سازگارتر و روشن‌تر با مفهوم آیه می‌باشد و نیز هماهنگ با روایات اهل بیت می‌باشد این است که منظور هدایایی است که بعضی افراد برای دیگران مخصوصاً صاحبان مال و ثروت می‌برند؛ به این منظور که پاداش بهتر و بیشتر از آن‌ها دریافت کنند و در این امر هیچ توجهی به شایستگی‌ها و اولویتهای فرد نمی‌شود؛ بلکه این هدیه‌ها صرف جایی می‌شود که بتواند مبلغ بیشتری را صید کند و به دلیل این که فاقد اخلاص است فاقد ارزش اخلاقی می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۱۱: ۴۴۴)

«سوره بقره آیه ۲۷۵ تا ۲۷۹»

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾

ترجمه: کسانی که ربا می‌خورند، (از گور) بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: (داد و ستد صرفاً مانند رباست.) و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست، و کارش به خدا واگذار می‌شود، و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (۲۷۵)

تفسیر: در قسمت اول آیه، خبط به معنای انسان دیوانه تفسیر شده است و این خود می‌تواند وجه اشتراک رباخواران با دیوانگان باشد در این بحث دو نظر وجود دارد؛ یک افراد ربا خوار هم‌چون دیوانگان فاقد تفکر اجتماعی صحیح می‌باشند و آن‌ها جز پول به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. دو این افراد در هنگام رستاخیز هم‌چون مصروعان و دیوانگان محشور می‌شوند که اکثر مفسران احتمال دوم را قبول کرده‌اند.

قسمت دوم از این آیه به منطبق رباخواران اشاره شده است که می‌گویند؛ بین ربا و تجارت هیچ تفاوتی وجود ندارد و طرفین با اراده و اختیار این کار را انجام می‌دهند.

قسمت سوم این آیه خداوند متعال این منطق آنان را تکذیب می‌فرماید و بیش از این به مسئله ربا پرداخته نمی‌شود.

قسمت چهارم از این آیه به بیان این مسئله می‌پردازد که هرکسی این پند و اندرز به او برسد باید اطاعت کند و از رباخواری خودداری کند البته نیاز نیست به گذشته خود برگردند و رباهایی که قبلاً انجام داده‌اند را بررسی کنند زیرا گذشته بر آن‌ها مباح شده است.

قسمت پنجم به این نکته اشاره دارد که هرکس این اندرز به او برسد و از اطاعت آن سر، باز زند در آخرت باید منتظر عذاب الهی باشد که خالد و همیشگی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۲: ۲۷۲ و ۲۷۱)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾

ترجمه: خدا از (برکت) ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. (۲۷۶)

تفسیر: در قسمت اول این آیه مُحَقِّق به معنای نابودی است ولی ربا به معنای رشد و نمو و از آنجایی که ربا حاصل دست‌رنج افراد زحمت‌کش می‌باشد و فرد رباخوار با گرفتن ربا از آنان باعث می‌شود که زندگی آنان نابود یا حداقل موجب کینه و دشمنی بین آن‌ها شود.

قسمت دوم از این آیه، خداوند فیض انفاق را از رباخواران سلب می‌کند و آنان را در زمره کفار می‌داند و این طبیعی است که خداوند چنین کسانی را دوست ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۲: ۲۷۳)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾

ترجمه: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۷۷)

تفسیر: این آیه به یک جهت مقابل رباخواران اشاره دارد که در آن افرادی خودپرستی را کنار گذاشته‌اند و علاوه بر به پای داشتن نماز بر پرداخت زکات می‌کوشند و در تلاش هستند تا اختلاف طبقاتی را از بین ببرند که خداوند آنان را به آرامش کامل مژده می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۲: ۲۷۵ و ۲۷۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۲۷۸﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. (۲۷۸)

تفسیر: خداوند در این آیه افراد با ایمان را به تقوا و پرهیزگاری توصیه می‌کند و بیان می‌دارد که اگر ایمان دارید؛ باقی مانده‌های مطالبات ربوی خود را بدست فراموشی بسپارید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۲: ۲۷۷ و ۲۷۶)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَّا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿۲۷۹﴾

ترجمه: و اگر (چنین) نکرديد، بدانيد به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته ايد؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید. (۲۷۹)

تفسیر: در قسمت اول لحن قرآن کریم نسبت به مردم تغییر می‌کند و به آنها اخطار می‌دهد که اگر دست از این کار بردارند و تسلیم حق نشوند؛ پیامبر ناچار است با توسل به نیروی نظامی جلوی آنها را بگیرد و این اعلان جنگ پیامبر به آنها است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۲: ۲۸۰ و ۲۷۹)

آیات قرض

«سوره بقره آیه ۲۴۵»

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۴۵﴾

ترجمه: کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بيفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد و به سوی او بازگردانده می شوید (۲۴۵)

تفسیر: قرآن می‌فرماید این کمک‌های مادی خود را به‌عنوان قرض به خدا حساب کنید؛ قرض به آفریدگاری که تمام هستی از آن است و همچنین هنگام استرداد این قرض چندین برابر آن را دریافت می‌کنید؛ خداوندی که مالک همه چیز است از بنده خود قرض می‌خواهد و آن هم قرضی که چند برابر آن را به او برمی‌گرداند و این کمال محبت خداوند به مخلوق است و همچنین این نکته را بیان می‌کند که فکر نکنید با انفاق، اموال شما کم می‌شود بلکه چند برابر می‌شود و خداوند می‌تواند درهای برکات آسمان و زمین را برای شما باز کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۲: ۱۶۲_۱۶۰)

«سوره مائده آیه ۱۲»

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٢﴾

ترجمه: در حقیقت خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم و خدا فرمود من با شما هستم اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید قطعاً گناهانتان را از شما می‌زدایم و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می‌آورم پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد در حقیقت از راه راست گمراه شده است (۱۲)

تفسیر: خداوند در این آیه همراهی خود را با قوم بنی اسرائیل با چند شرط اعلام می‌دارد که یکی از آنها یک‌نوع قرض‌الحسنه با خدا است که به آن‌ها وعده می‌دهد اگر آن را اطاعت کنند گناهانشان را می‌بخشد و به بهشت داخلشان می‌کند البته اگر اطاعت نکنند راه خلاف آن را پیموده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ه.ش، ج ۴: ۳۱۰)

«سوره حدید ۱۱ و ۱۸»

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

ترجمه: کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد (۱۱)

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

ترجمه: در حقیقت مردان و زنان صدقه دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده اند ایشان را [پاداش] دو چندان گردد و اجری نیکو خواهند داشت (۱۸)

تفسیر هر دو آیه: معنای نزدیک به هم دارند و به منظور تأکید بر مسئله می‌باشد؛ به راستی تعبیر عجیبی است که خداوند که بخشنده تمامی نعمات است و همه ذرات وجود لحظه به لحظه از او کسب فیض می‌کنند ما بندگان را صاحبان اموال دانسته و در مقام گرفتن وام از ما برآمده و این قرض و وام را ده‌ها برابر یا صدها برابر به قرض دهندگان باز می‌گرداند و آنان را به پاداشی بسیار بزرگ بشارت می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ه.ش، ج ۲۳: ۳۲۱)

«سوره مزمل آیه ۲۰»

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ

وَآخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٠﴾

ترجمه: در حقیقت پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تووند نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را [به نماز] برمی خیزید و خداست که شب و روز را اندازه گیری می کند [او] می داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید پس بر شما بیخشود [اینک] هر چه از قرآن میسر می شود بخوانید [خدا] می داند که به زودی در میانتان بیمارانی خواهند بود و [عده ای] دیگر در زمین سفر می کنند [و] در پی روزی خدا هستند و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می نمایند پس هر چه از [قرآن] میسر شد تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت و از خدا طلب آموزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است (۲۰)

تفسیر: خداوند بعد از این که آگاهی خود را نسبت به همه چیز و همه کس بیان می دارد و نیز، دستور می فرماید، نماز بخوانید (نمازهای پنجگانه) زکات بپردازید (زکات واجب) و انفاق کنید (انفاق‌های مستحبی) و استغفار کنید و مجموع این چهار دستور به علاوه دستور تلاوت و تدبیر در قرآن یک برنامه کامل برای خودسازی است در که در تمامی زمان‌ها به خصوص در آغاز اسلام مورد توجه بوده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ه.ش، ج ۲۵: ۱۹۸ و ۱۹۷)

«سوره تغابن آیه ۱۷»

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٧﴾

ترجمه: اگر خدا را وامی نیکو دهید آن را برای شما دو چندان می گرداند و بر شما می بخشد و خدا [ست که] سپاس پذیر بردبار است (۱۷)

تفسیر: در این آیه با توجه به مطالبی که قبلاً در مورد قرض بیان شد؛ خداوند علاوه بر این که قرض گرفته شده را چندین برابر می کند و گناهان را می آمرزد؛ از قرض دهنده تشکر می کند و او را گرامی می دارد و حتی در روز قیامت نیز، در حسابرسی او بردباری می فرماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ه.ش، ج ۲۴: ۲۱۱)

نتیجه گیری

این مقاله با بررسی مباحث ربا و قرض از منظر سه مذهب امامیه، شافعی و حنفی به این مطلب می رسد که حدود ۸۰ درصد احکام ربا و قرض عیناً یکی هستند و در آن ۲۰ درصد اختلافی، علمای هر یک از مذاهب هر کدام بر اساس مبانی فکری خود نظری مستقل دارند؛ البته این نکته قابل ذکر است که در توضیح احکام فقهی نمی توان علایق خود را دخیل کرد یا نکته ای از آن کم یا نکته ای به آن اضافه نمود.

از آنجایی که تفاسیر مختلف هم از اهل سنت و هم از تشیع در باب قرآن کریم نگاشته شده است؛ می بایست تفسیری انتخاب می کردیم تا تفسیری باشد به دور از تعصب مذهبی به همین منظور تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی را به عنوان یک تفسیر متعادل برگزیدیم این تفسیر از نوع اجتهادی_تحلیلی و عقلی می باشد؛ البته در برخی موارد برای توضیح بیشتر از روایات

اهل بیت (ع) نیز، استفاده شده بود.

با مطالعه و بررسی آیات مرتبط با ربا و قرض در تفسیر نمونه به نکته‌ای بسیار روشن اشاره می‌شود و آن این است که خداوند ابتدا در آیه ۳۹ روم که اولین آیه درباره ربا بود بیان داشت که رباخواری در پیشگاه خداوند امری پسندیده نیست و بعد از این آیه در آیات ۲۷۹_۲۷۵ سوره بقره خداوند کم کم رباخواری را حرام اعلام می‌کند؛ همچنین بیان می‌دارد کسانی که این پند به آن‌ها برسد و اطاعت نکنند در آخرت عذابی سخت خواهند داشت و در جهنم جاودان خواهند بود.

همچنین در تفسیر آیات قرض این نکته روشن است که ابتدا خداوند قرض دادن به برادر مسلمان را امری پسندیده می‌داند سپس قرض دادن به مسلمانان را به منزله‌ی قرض دادن به خود می‌داند و بیان می‌دارد که این قرض را چندین برابر ادا می‌کند و به مال آن‌ها برکت می‌دهد و نیز، گناهانشان را می‌آمرزد و در قیامت در اعمال آن‌ها بردباری می‌کند و آن‌ها را مشمول رحمت بی‌کران خود می‌گرداند و برای آن‌ها نعمات بهشتی جاودان قرار می‌دهد.

منابع

کتاب‌ها:

۱_ قرآن

۲_ سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۱ه.ق). مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام. چاپ پنجم. قم: ایران. انتشارات دارالتفسیر

۳_ عاشور، احمد عیسی. (۴). فقه آسان در مذهب امام شافعی. محمود ابراهیمی. (جلد ۲)

۴_ قزوینی، ابو عبدالله محمد بن یزید. (۲۷۵_۲۰۷ه.ق). بیروت: لبنان. انتشارات دارالطباعه العامره

۵_ مکارم شیرازی، آیت الله ناصر. (۱۳۷۲ه.ش). تفسیر نمونه. چاپ یازدهم. قم: ایران. انتشارات دارالمکتب الاسلامیه (جلدهای ۲_ ۱۶_ ۲۳_ ۲۴_ ۲۵)

۶_ موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۲ه.ش). تحریر الوسیله. تهران: ایران. انتشارات دارالعلم (جلد ۲)

۷_ نجفی، محمد حسن. (قرن ۱۳ه.ق). جواهر الاحکام فی شرح شرایع الاسلام جلد ۲۳. علی آخوندی. چاپ هفتم. بیروت: لبنان. انتشارات دارالحیاء التراث العربی

۸_ نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۳۳۴_۱۳۲۹ه.ق). صحیح مسلم. اسماعیل بن احمد طرابلسی. بیروت: لبنان. انتشارات دارالطباعه العامره

۹_ یزدی، محمد کاظم. (۱۴۱۴ه.ق). تکلمه العروه الوثقی. محمد حسین طباطبایی. قم: ایران. انتشارات مکتبه الداوری

مقاله‌ها:

۱_ موسویان، سید عباس. (۱۳۸۴ه.ش). «ربا در قرض‌های تولیدی». فصل‌نامه اقتصاد اسلامی. دوره پنجم. شماره ۱۸. ۴۰

اینترنت:

۱_ www.vaislamah.com بخش فقه و احکام، ۱۳ جولای ۲۰۱۳